

پرسش ۴۶: معنای گفتار امیر المؤمنین (ع): (و کمال اخلاص برای او، نفی صفات از او است).

سؤال / ۶ : قال أمير المؤمنين (ع): (وكمال الإخلاص له في نفي الصفات عنه لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف ...) ([247])، والله سبحانه وتعالى يصف نفسه في القرآن ويقول السميع البصير العليم الحكيم القدير ... فكيف يكون التوحيد مخالفًا لما جاء به القرآن؟

پرسش ۴۶: امیرالمؤمنین (ع) فرموده است: (وَكَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ غَيْرِ الْمَوْصُوفِ...) ([248]) (و کمال اخلاص برای او، نفی صفات از او است؛ زیرا هر صفتی نشان می دهد که غیر از موصوف است....) در حالی که خداوند سبحان و متعال خود را در قرآن توصیف کرده است و می فرماید سميع، بصیر، علیم، حکیم، قدری.... چطور ممکن است توحید مخالف چیزی باشد که در قرآن آمده است؟

الجواب: لا مخالفة بين وصف الله سبحانه وتعالى وما جاء به القرآن وكلام أمير المؤمنين (ع) لاختلاف المقام، حيث إن القرآن يتكلم ويصف الذات أي مدينة الكمالات الإلهية والاسم الجامع لصفات الكمال الإلهية هو (الله)، ومعرفة الذات إنما تحصل بمعرفة الصفات، قال الصادق (ع): (موصوف من غير شبيه ولا مثيل) ([249]).

پاسخ:

بین توصیف خداوند سبحان و متعال و آنچه قرآن آورده است و گفتار امیر المؤمنین (ع) در وصف مقام اختلاف و تضادی وجود ندارد. چرا که قرآن درباره ذات صحبت می کند و آن را توصیف می نماید؛ ذاتی که مدینه کمالات الهی و

اسم جامع برای صفات کمال الٰهی هو (الله) می‌باشد و شناخت ذات تنها از طریق شناخت صفات امکان‌پذیر می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: (توصیف شده از چیزی است که شبیه و نظیری ندارد). ([250])

أما كلام أمير المؤمنين (ع) فهو في مرتبة الإخلاص في التوحيد، أي أعلى درجات التوحيد وهو توجه العبد إلى الكنه والحقيقة، لا إلى الذات الموصوفة التي لا يخلو التوجه إليها من طمع في كسب كمال أو قضاء حاجة.

اما کلام امیر المؤمنین (ع) در مرتبه‌ی اخلاص در توحید یعنی بالاترین درجات توحید می‌باشد که عبارت است از توجّه عبد به کُنه یا حقیقت، نه به ذات توصیف شده که توجّه به آن از طمع در به دست آوردن کمال یا برآوردن حاجت خالی نیست.

والذات هي حجاب الكنه أو الحقيقة، والذات هي الاسم الأعظم الأعظم، والحقيقة هي الاسم الأعظم الأعظم، فالتوجه إلى الكنه أو الحقيقة - والاسم الدال عليها (هو) والهاء للإثبات والواو للغيبة - يخلو من ملاحظة أي صفة أو اسم، إنما هو توجه بالعبادة إلى حقيقته سبحانه وتعالى دونما ملاحظة أنه كريم أو عليم أو حكيم أو قادر أو سميع أو بصير، وهذا هو تمام الإخلاص بالعبادة والتوحيد.

ذات در واقع حجاب کُنه یا حقیقت و یا همان اسم اعظم اعظم می‌باشد و حقیقت، اسم اعظم اعظم اعظم است. توجّه به کُنه یا حقیقت - که اسمی که به آن دلالت می‌کند (هو) می‌باشد و در آن (هاء) برای اشاره به ثابت بودن است و (واو) برای غایب بودن. از توجّه به هر صفت یا اسمی خالی است، و فقط توجّه به عبادتِ حقیقت خدای سبحان می‌باشد، بدون در نظر گرفتن اینکه او کریم، علیم،

حکیم، قادر، سمیع یا بصیر است و این نهایت اخلاق در عبادت و توحید می‌باشد.

- نهج البلاغة : الخطبة الأولى.[\[247\]](#)

- نهج البلاغة : خطبه اول.[\[248\]](#)

.407 - بحار الأنوار : ج 53 ص[\[249\]](#)

.407 - بحار الأنوار : ج 53 ص[٢٥٠](#)